

بررسی و تحلیل نظریات و تحولات جایگاه حقوق شاکی در نظام حقوق کیفری

احمد پورابراهیم ۱، محمد اسماعیل زاده ۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۲۷

چکیده

از آنجایی که حمایت از شاکی و بزه دیده، حمایت از نظم عمومی و ایجاد امنیت برای تمامی افراد یک جامعه است ملاحظه می‌شود که عدم اجرای صحیح قوانین کیفری توسط دستگاه‌های قضایی و دیگر مجریان این قوانین است بعضاً شاکی نسبت به طرح و پیگیری شکایت خود صرف‌نظر نموده یا اینکه شخصاً اقدام به انتقام نموده که در این اینجا شاکی خود نیز مقصر و متهم واقع می‌شود با مذاقه در قوانین کیفری ضمن رعایت اصل تساوی سلاح‌ها قانون‌گذار کیفری توجه به شاکی و بزه دیده ناشی از جرم را در دستور کار خود قرار داده است. لیکن به علت مشکلات عدیده نهادهای اجرایی و تقنینی مانند خلغ‌های قانونی و پاسخ‌گو نبودن آن‌ها، عدم وقت کافی، امکانات اجرایی، فرصت مطالعه و آموزش و همچنین کثرت کار و کمبود کادر قضایی و اداری قادر به اجرای صحیح و کافی آن نبوده‌اند که این دلسردی شاکی را در پیگیری احقاق حق خود نه تنها موجب بدبینی دستگاه قضایی گردیده بلکه باعث تجری مجرمین و ایجاد ناامنی گردیده است اکثریت طرفداران حقوق شاکی بر این باورند که بزه دیده کیفری باید مورد حمایت و کمک‌رسانی قرار گیرد و دولت و جامعه مدنی در ارائه کمک و خدمات‌رسانی به وی حداکثر تلاش خود را بنمایند تا بزه دیده در وضعیت پیش‌جنایی و پس‌جنایی از این حمایت‌ها بهره‌مند گردد.

واژگان کلیدی: شاکی - جرم‌شناس - قانون مجازات - عدالت کیفری.

۱ - دکترای حقوق کیفری و جرم‌شناسی، استادیار گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران.
۲ - دانش‌آموخته دکتری حقوق عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری و مدرس دانشگاه

مقدمه

شناخت شاکیان واقعی و زیان دیده از جرم به نوعی احترام به شأن شاکی و طرف مقابل آن را به همراه دارد زیرا افراد سودجویی وجود دارد که سعی بر این دارند از خلأهای قانونی در جهت کسب درآمد به تلکه کردن از افراد با آبرو، بپردازند. با پیدایش شاکیان واهی و شرخها متهمین ساختگی و بی گناهی که مرتکب جرمی نشده اند تحت محاکمه و مجازات یا پرداخت خسارات زوری و اجباری گردند از طرف دیگر شاکیان و بزه دیدگان با آبرو ممکن است در مراجع پلیسی «ضابطین و مراجع قضایی و اداری در ارتباط با شکایت دچار ناملایماتی می شود که از طرح شکایت یا پیگیری آن دلسرد و منصرف شده است، یعنی در واقع فشار، بداخلاقی ها، بی حرمتی ها، تندخویی ها و ناملایماتی که شاکی ممکن است در جریان

فرآیند کیفری متحمل شود و بر آن درد و رنج و بزه اولیه به خاطرش خود را در روند دادرسی قرار داده است. لذا دسترسی آسان و ساده به دستگاه پلیسی و قضایی، ارائه خدمات و امکانات رفاهی، بالینی، حقوقی به بزه دیدگاه و تسهیل در تشریفات اقامه شکایت و اقدامات اداری برای بزه دیده یا شاکی و تأمین امنیت برای وی و شهود و خانواده اش در هنگام دادرسی، همچنین ارائه خدمات به روز و آسان با تناسب سن و سال آنان و ارائه خدمات حقوقی از ناحیه دستگاه های قضایی گامی در جهت رعایت اصل عدالت قضایی برداشته خواهد شد، همچنین تسریع در جبران خسارات زیان دیدگان کیفری و ترمیم آثار بزه در زندگی آن ها از ناحیه بزه کار یا دولت می تواند آلام گر درد و رنج علیه بزه دیدگان کیفری گردد و ضریب اطمینان آن ها را از دستگاه قضائی بالا می برد، به هر حال شناخت شاکی و بزه دیده واقعی و حمایت از او در واقع گام مؤثری در پیشگیری از وقوع جرائم مکرر علیه آن ها و زمینه شناسایی آسیب ها را فراهم خواهد ساخت.

۱- تحولات جایگاه شاکی در گذر تاریخ حقوق ایران

در بخش بزرگی از تاریخ حل و فصل دعاوی با روش های غیر قضایی و غیر حقوقی، انجام می پذیرفت و مردم، به طور سنتی از مراجعه به دولت جهت دادخواهی بیزار بودند. اجرای عدالت پیش از تسلط دولت ها اصولاً از طریق میانجی گری و مذاکره صورت می گرفت و استفاده از روش های دیگر امری استثنایی بود.

گفتار اول: تحولات تاریخی جایگاه شاکی و زیان‌دیده از جرم در دوره‌های مختلف کسانی که احساس می‌کنند به طرز غیرمنصفانه‌ای به آن‌ها بی‌احترامی شده است و نیز کسانی که از ارزش‌های اجتماعی بریده‌اند به یقین برای جامعه و قوانین و ارزش‌های آن کمترین میزان احترام را قائل هستند. گستره حقوق کیفری بزه دیده مدار که امروزه جایگاه مستقلی در نظام‌های عدالت کیفری جهان یافته است بیشتر به جبران حقوق ازدست‌رفته او همت گمارده‌اند تا آنجا که امروزه می‌توان از حقوق کیفری بزه دیده مدار سخن به میان آورد.

۱-۱- جایگاه شاکی در دوره جنگ‌های خصوصی

اگر نگاهی به اولین تحولات واکنش اجتماعی در مقابل پدیده جرم و بزه داشته باشیم و بخواهیم به بررسی دادخواهی شاکی یا زیان‌دیده بپردازیم باید آثار جایگاه شاکی و متهم را قبل از ادیان کهن مانند زرتشت و یهود را بررسی کنیم، هنگامی که ویژگی‌های دادگستری خصوصی «اولین دوره تحولات در حقوق کیفری» را مطالعه می‌کنیم، به این برداشت می‌رسیم که در آن دوران هرکدام از اقوام شاکی یا بزه دیده می‌توانست، نیابت از ناحیه شخصی که مجنی علیه واقع شده به انتقام و بعضاً اجرای حکم بپردازد «طرح شکایت انتقام‌گرایانه از ناحیه دیگران» و از طرف دیگر این انتقام یا قضاوت می‌توانست علیه هرکدام از اقوام و اعضای خانواده متهم اجرا شود. عرف حاکم بر آن زمان آن را منطقی تلقی می‌نمود. لذا در این دوره اصل مسئولیت جمعی حاکم بود و اگر کسی جرمی مرتکب می‌شد نه تنها خود او بلکه کلیه اعضای خانواده و حتی بستگان او موردتهاجم قرار می‌گرفتند (آقایی و جنت‌مکان، ۱۳۹۰، ۱۷)، کما اینکه هنوز در بین عشایر و اقوام ایرانی این شیوه مرسوم است. در این دوران شاکی شکایت خود را به هیچ مرجع خاصی ارائه نمی‌داد، بلکه آن را به پدر خانواده یا بزرگ خانواده انعکاس می‌داد و بزرگ خانواده به همراه سایر نیروهای جنگجوییش به انتقام علیه متهم یا خانواده و سایر بستگان او می‌پرداختند. در این زمان دلایل و مدارک شاکی آلام و جراحات وارده و بعضاً خساراتی که از ناحیه بزه‌کار بر او وارد شده بود مستند ادعای وی می‌شد. (اردبیلی، ۱۳۸۵، ۱۶).

۱-۲- جایگاه شاکی در دوره دادگستری خصوصی

از نظر تاریخی، ابتدا تعقیب دعوی کیفری و اقامه شکایت به عهده فرد بزه دیده است. (گاستون، بی‌تا، ۷)؛ زیرا شکایت‌کننده به واسطه ضایع شدن حقی این حق را برای خود مسلم دانسته و با حضور به مراجع ذیصلاح جهت احقاق حق اعلام شکایت می‌نماید. این سلب حق اختیار تعقیب را برای صاحب حق محفوظ می‌دارد. در دوره‌ای که این رویکرد تجلی داشت و به دادگستری خصوصی معروف است اندیشه تعقیب جرائم توسط نماینده جامعه مطرح نبوده است و شاکی و بستگان وی به طور خصوصی درصدد تعقیب مجرم برمی‌آمدند و با جمع‌آوری دلایل، مجازات مرتکب را از دادگاه تقاضا می‌نمودند که بعضاً سعی بر این داشتند به نفع نزدیکان خود سوگند یاد کنند.

به هر حال در این دوره شاکی از ناحیه بستگان خود مورد حمایت روحی و عاطفی قرار می‌گرفت. سپس همگی علیه بزه‌کار به انتقام می‌پرداختند. این انتقام در بعضی موارد مساوی با جنایت وارده بر شاکی بود و در مواردی هم نامساوی بوده و در مواردی هم این مجازات‌ها اثر قهقرایی «درگیری‌های پی‌درپی و متقابل» پیدا می‌کرد. اگر خوب کنکاش نماییم به این برداشت می‌رسیم کسی به حقی می‌رسد که پدر مقتدر پا از قدرت طایفه‌ای خوبی برخوردار باشد که در اصطلاح بختیاری‌ها افراد چوب بردار خوبی داشته باشند. در غیر این صورت تا ابدالدهر به حقی نمی‌رسید. در این دوره شاکی به محض ورود ضرر شاکی تلقی می‌شود و ذی‌حق واقع می‌شد حتی اگر در ایجاد ضرر خودش هم مقصر باشد. چون ملاک مجازات تصمیم رئیس خانواده بوده که همه افراد را ملزم به تبعیت می‌کرد. (اردبیلی، ۱۳۸۵، جلد ۱، ۶۶).

۱-۳- جایگاه شاکی در دوره دادگستری عمومی

در این دوره شاکی علاوه بر توسل به مقامات دولتی و قضایی در جهت احقاق حق خود و فراخواندن آن قوا در حمایت از خود، دین و مذهب هم به کمک وی می‌شتافتند و جانی را علاوه بر مجرمیت گناهکار نیز تلقی می‌نمودند. در این زمان بود که قانون حمورابی با پیش‌بینی قصاص «اعم از نفس و عضو» و خون‌بها را جهت فصل خصومت در مکانیزم حقوقی رونق داد و شاکی توانست در مقابل جنایات وارده خسارات مالی نیز دریافت کند. از خصوصیات این دوره که موجب نارضایتی شاکی بود اصل سازش اجباری بود بدین معنی هرکدام از طرفین مجبور به مصالحه می‌شدند. (اردبیلی، ۸۵، جلد ۱،

۱۵) در این مرحله همان طوری که از نامش پیداست جرم علاوه بر جنبه خصوصی، جنبه عمومی نیز پیدا کرد و مجازات از هر دو جهت بر مجرم فشار وارد می‌کرد؛ اما رفته رفته شدت این مجازات‌ها که هنوز به قصد تشفی خاطر زیان دیده و عبرت دیگران به اجرا درمی‌آمد کاسته شد و به‌عنوان یکی از تدابیر پیشگیری‌کننده در خدمت اصلاح و تربیت بزهکاران به کار گرفته شده در نتیجه تناسب جرم و مجازات در عمل واقعیت خود را از دست داد و حالت خطرناک بزهکار در اجرای مجازات معیار قرار گرفت.

۱-۴- جایگاه آن در زمان حاکمیت مذهب زرتشت در حقوق ایران

در زمان حاکمیت زرتشت که مصادف با دوران حکومت هخامنشیان تا ساسانیان گردید، جرائم به چهار دسته تقسیم می‌شدند که عبارت بودند از: (۱) دسته اول جرائم علیه شاه (۲) دسته دوم جرائم علیه مذهب (۳) دسته سوم جرائم علیه خانواده شاه | (۴) دسته چهارم جرائم فردی (عمومی) (نوربها، ۱۳۸۲، ۹۰).

جایگاه شاکی در این جرائم دسته‌بندی بوده در این دوران افرادی که بیشتر می‌توانستند شاکی شوند، طبقات شاهی بود و شاکی در این دوره نیز بر اساس جایگاه بزه دیده طبقه‌بندی می‌شد و بعد از آن موبدان زرتشتی بوده که از جرائم علیه مذهب دفاع می‌کردند و اگر اهانتی صورت می‌گرفت به‌عنوان شاکی به مقامات شاهنشاهی شکایت می‌کردند، در پایان بزه دیدگان یا شاکیان معمولی بودند که در طبقه مردم عادی قرار می‌گرفتند.

۱-۵- جایگاه شاکی در حقوق ایران در دوران مذاهب اسلام

ظهور آیین اسلام، حمله اعراب به ایران، زرتشت جای خود را به اسلام داد اعراب قدرت و مسندهای حکومتی ایران را در دست گرفتند، ایرانیان مذهب اسلام و آیین پیامبر (ص) را با آغوش باز پذیرفتند، قضاوت در این دوره بر اساس منابع و استدلال فقہی مانند قرآن، حدیث، صحابه، اجماع، قیاس، استحسان و مصلحت مرسله مورد پذیرش واقع شد، جرائم به نحو دیگر تنظیم شدند که عبارت بودند از: حدود، قصاص، دیات، تعزیرات، در این دوران هرکدام از جرائم که علیه شاکی یا بزه دیده واقع می‌شود با حضوری وی نزد قاضی اعلام شکایت می‌کرد که در این دوران قاضی فوراً رسیدگی و حکم لازم را صادر می‌کرد. قضاوت به‌صورت یک مرحله‌ای بود. نمونه بارز تعدیل

انتقام‌گیری توسط شاکی در دادگستری‌های خصوصی می‌توان پرداخت. خون‌بها در آیین حمورابی را مورد ملاحظه قرار داد.

۲- جایگاه شاکی و زیان‌دیده از جرم در نظام‌های مختلف دادرسی

جایگاه حقوقی یا مقام شاکی در قوانین کیفری مشخص می‌باشد. در حقیقت شاکی کسی است که در مورد تجاوز و تعارض قرار گرفته و در مقام احقاق حق، دادخواهی و تظلم خواهی اقدام به طرح شکایت می‌نماید. در این قسمت از پژوهش جایگاه شاکی را در نظام‌های قضایی مختلف (اتهامی، تفتیشی، مختلط، اسلامی) مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۲-۱- جایگاه شاکی در نظام دادرسی اتهامی

این نظام قدیمی‌ترین نظام کیفری است که در سیستم حقوقی کشورهایمانند یونان، روم و ایران باستان مطرح بوده است در این نظام تعقیب جرم یا متهم فقط به‌وسیله «شاکی» شروع می‌شد و به نحوی بوده که احضار متهم نیز با دستور شاکی که در حضور شهود صادر می‌شد، انجام می‌شده، در این نظام شاکی به‌عنوان شاکیه واصل دادرسی قرار می‌گرفت و شاکی می‌بایست ادله و قرائن را جهت اثبات ادعایش شخصاً جمع‌آوری کند و در این نظام اگر جرمی اتفاق بیافتد و شاکی وجود نداشت باینکه به خاطر ترس از متهم اعلام جرم نمی‌کرد و یا اینکه به خاطر ایراد صدمه مهلک دیگر توان ارائه شکایت نداشت قاضی حق دخالت و رسیدگی یا اعلام جرم نداشت و در نظام اتهامی به خاطر جلوگیری از طرح شکایات واهی و ناروا شاکی را سوگند می‌دادند که از دعوی خود تا پایان محاکمه صرف نظر نکند والا مجازات اتهامی که به دیگری وارد آورده یا حسب مورد به مجازاتی دیگر محکوم می‌شد.

ویژگی‌های بارز نظام اتهامی عبارت‌اند از:

ضرورت طرح شکایت از سوی شاکی

شفاهی بودن رسیدگی

علنی بودن محاکمه

ترافعی بودند نظام اتهامی

رعایت تساوی بین اصحاب دعوا (آشوری، ۱۳۸۲، جلد ۱، ۲۹).

جایگاه شاکی در این نظام به نحوی بوده که بار مسئولیت و ادله اثبات دعوی و احضار در صورت نیاز جلب متهم و تأمین امنیت را باید خودش فراهم بیاورد هرچند حوزه جایگاهی وسیعی داشته اما عملاً مفید فایده برایش نبوده است زیرا در این نظام مقام تعقیبی وجود نداشت که پیگیر شکایت و وظیفه انجام تحقیقات را بر عهده بگیرد به نحوی که اگر خانواده متهم، شاکی را تهدید می‌کردند، شاکی از ترس جان خویش شکایت نمی‌کرد و منجر به عدم تعقیب بزهکاری می‌شد، در واقع اختیار بزهکاران شاکی خصوصی بود و دیگر اینکه قاضی کیفری نقش حکم و داور ایفا می‌کرد و از تحصیل ادله ممنوع بود و بیشتر به صورت دادرسی حقوقی عمل می‌کرد. (خدا مراد، ۱۳۸۶، ۷۲).

۲-۲- جایگاه شاکی در نظام دادرسی تفتیشی

این سیستم در قرون وسطی در دادگاه‌های تفتیش عقاید علیه مخالفان دین به اجرا درآمد و قاضی حرفه‌ای به نمایندگی از روحانیون کلیسا و سپس به نماینده از دولت، تعقیب جرائم را بر عهده گرفت اقرار، بلکه دلایل محسوب می‌گردید و به جهت اهمیت اقرار و موضوعیت داشتن در آن دادرسی کیفری متهم را برای اخذ اقرار به شدیدترین وضع شکنجه می‌کردند، ادله در غیاب متهم تهیه می‌شد. (مؤذن زادگان، ۱۳۸۹، ۴۱). در این نظام به تدریج اعلام جرم، جانشین طرح شکایت در نظام اتهامی می‌شود و به زودی زیان دیده یا شاکی حق پیگیری شکایت خود را از دست داده و فقط می‌تواند آن را به محضر قضات تقدیم کند. در این سیستم مقام رسیدگی و مقام تحقیق خود قاضی است، یعنی وحدت قاضی و دادستان وجود دارد و شهادت به صورت محرمانه و کتبی انجام می‌شد، شاکی در این نظام هرچند خیلی صلاحیت در مسیر تحقیق و پیگیری نداشت اما در ارائه شکایت و اعلام جرم حائز اهمیت و امنیت بهتری شده بود از ویژگی‌های بارز این نظام می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: وحدت قاضی و دادستان غیر ترافیعی بودن وجود قاضی حرفه‌ای سری بودن کتبی بودن محاکم حکومت نظام ادله قانونی درجه‌ای بودن دادگاه (جوانمرد، ۱۳۹۰، ۲۸).

۲-۳- جایگاه شاکی در نظام دادرسی مختلط

سومین نظام دادرسی که درصدد تجمیع محاسن نظام اتهامی و تفتیشی و طرد معایب آن‌ها بود نظام دادرسی مختلط بود که امروزه در بسیاری از کشورهای جهان معمول و

رایج می‌باشد. ذیلاً به سابقه پیدایش این نظام و سپس به ویژگی‌های آن و جایگاه تحقیق کیفری در آن می‌پردازیم.

۲-۳-۱- سابقه پیدایش

از نظر تاریخی پیدایش نظام دادرسی مختلط مربوط به پس از انقلاب فرانسه می‌باشد. به همین جهت به آن سیستم دادرسی فرانسوی نیز می‌گویند. همان‌گونه که قبلاً بیان شد دادرسی اتهامی منافع جامعه را نادیده می‌گرفت و دادرسی تفتیشی حقوق و آزادی‌های متهم را تأمین نمی‌کرد. در نتیجه حقوق دانان از روش‌های موجود دادرسی کیفری به شدت انتقاد می‌نمودند. نشر افکار و عقاید انتقادی حقوق‌دانان جزا به نوبه خود به تنویر افکار عمومی کمک کرد و در اذهان جامعه جای تردید باقی نگذاشت که روش‌های موجود دادرسی کیفری پاسخگوی نیازهای اجتماع نیست و اجرای صحیح عدالت کیفری را تأمین نمی‌کند و لازم است هرچه زودتر برای تأمین عدالت کیفری چاره‌اندیشی کرد. اغلب علمای حقوق جزای این دوران، اصلاح و تنقیح قوانین آیین دادرسی کیفری را مؤثرترین وسیله برای مبارزه با مجرمیت، اجرای صحیح مجازات، تأمین آزادی‌های فردی و حفظ و صیانت مصالح اجتماعی معرفی می‌نمودند. جریان این موج عظیم فکری سبب شد که در بسیاری از کشورهای اروپایی اصلاح و تجدیدنظر در قوانین آیین دادرسی کیفری آغاز گردد و نظریه‌های علمی جدید وارد قلمرو قوانین دادرسی کیفری شود. برای احتراز از معایب نظام‌های دادرسی اتهامی و تفتیشی و در عین حال استفاده معقول از محاسن هر دو سیستم، به تدریج روشی به وجود آمد که از هر دو سیستم متأثر می‌باشد. بدین توضیح که جنبه‌های مثبت هر دو سیستم را دارا و از معایب آن عاری است. چون دانشمندان فرانسوی در ایجاد و نضج این سیستم مختلط نقش مهمی ایفا کرده‌اند و برای نخستین بار در این کشور به موقع اجرا گذاشته شده است این روش را سیستم دادرسی فرانسوی نیز می‌نامند. (آخوندی، ۱۳۶۷، ۹۰).

۳- ویژگی‌های نظام دادرسی مختلط

در این نظام با تفکیک مرحله تحقیق و محاکمه، از ویژگی‌های مثبت هریک از دو نظام پیشین، به تفکیک استفاده شده است. بدین ترتیب، در مرحله تحقیق که نیاز به سرعت و دقت در جمع‌آوری دلایل و جلوگیری از محو آثار جرم بیشتر وجود دارد از نظام

تفتیشی پیروی شده و ویژگی‌های آن را دارد. در مقابل، پس از جمع‌آوری دلایل و در مرحله محاکمه در دادگاه از نظام اتهامی و ویژگی‌های خاص آن پیروی شده است. از این رو، در مرحله نخست، مرجعی مستقل از شاکی به نمایندگی از جامعه امر تعقیب را بر عهده دارد و اصولاً در این امر منتظر اقدام زیان‌دیده از جرم نمی‌ماند؛ اما در مرحله محاکمه، رسیدگی ترافعی و علنی است و شهروندان می‌توانند در جلسه محاکمه شرکت کرده، جریان دادرسی را از نزدیک مشاهده نمایند. (خالقی ۱۳۸۶، ۱۸).

باروی کار آمدن نظام دادرسی مختلط و تقسیم دادرسی به دو مرحله، در مرحله تحقیقات مقدماتی سیستم تفتیشی و در مرحله محاکمه سیستم اتهامی حاکم شد؛ اما این سیستم در بدو امر نتوانست حقوق متهم را رعایت نماید. بیشترین انتقادات به این نظام دادرسی، مربوط به مرحله تحقیق بود که نتیجه آن کاسته شدن از تفتیشی بودن تحقیقات مقدماتی بود که از جمله مهم‌ترین تغییراتی که در آن و قوانین کشورهای ملهم از آن رخ داد اصلاحاتی از قبیل حق داشتن وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی، حق سکوت متهم و الزام به تفهیم اتهام بود. همچنین برای تحقق کامل حقوق متهم، تفکیک نهاد تعقیب از نهاد تحقیق مورد قبول قرار گرفت، زیرا زینده نبود یک‌طرف در زمانی یکسان هم هم‌آورد و هم داور باشد. در نتیجه در بسیاری از کشورها امر تعقیب از امر تحقیق تفکیک شد؛ اما در حقوق ایران، برخلاف بسیاری از کشورها که در آن‌ها نهاد تعقیب زیر نظر وزارت دادگستری و نهاد صدور رأی زیر نظر قوه قضاییه می‌باشد، نهاد تعقیب و رسیدگی تحت مقامی یکسان می‌باشد؛ بنابراین هرچند که تحقیق کیفری در نظام دادرسی مختلط که امروزه سیستم حاکم بر بسیاری از کشورها می‌باشد با تفکیک از نهاد تعقیب و تضمین حقوق دفاعی متهم در آن، دارای جایگاه بسیاری خوبی نسبت به نظام‌های ماقبل خود می‌باشد اما هنوز در برخی کشورها ضوابط و قواعد حقوق متهم در این مرحله به خوبی روشن نشده است.

۴- جایگاه شاکی در نظام دادرسی اسلامی

در کتب فقهی، اصول دادرسی اسلامی یکجا و تحت عنوان خاصی نیامده است بلکه در خلال مقررات باب قضا و حدود و دیات و قصاص و تعزیرات می‌توان برخی قواعد آن را ملاحظه کرد. برخی از حقوق‌دانان معتقدند که تفاوتی میان دادرسی اسلامی و سیستم‌های دادرسی اتهامی، تفتیشی و مختلط وجود ندارد هرچند که در اعمال برخی

از قواعد بین سیستم دادرسی اسلامی و سایر نظام‌های دادرسی تفاوت‌هایی وجود دارد؛ اما برخی دیگر معتقدند که هرچند که نظام دادرسی اسلامی دارای ویژگی‌های نظام اتهامی است اما این مطلب را نباید بر اقتباس یا سرمشق گرفتن حقوق اسلامی از قوانین و مقررات سایر ملل تلقی کرد (آشوری، ۱۳۸۲، ۳۴) بلکه حقوقی است مستقل و قائم‌به‌ذات. (آخوندی، ۱۳۶۷، ۶۹) قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، نظام دادرسی کیفری در کشورمان به تبعیت از حقوق فرانسه بر پایه نظام دادرسی مختلط شکل گرفته بود. پس از واقعه فوق، با توجه به لزوم انطباق کلیه قوانین و مقررات کشور با موازین شرع و توجه ویژه به قوه قضاییه برای انطباق آن با نظام قضا اسلامی، قوانین متعددی در زمینه سازمان قضایی مراجع بدوی و تجدیدنظر به تصویب رسید. یکی از دلایل کثرت قانون‌گذاری‌ها گاه شتاب‌زده در این دوران نیز، قصد قانون‌گذار برای سرعت بخشیدن به روند اسلامی نمودن دستگاه قضایی و انطباق آن با شیوه‌های دادرسی اسلامی بوده است. (خالقی، ۱۳۹۷، ۱۹) به‌رحال نظام دادرسی اسلامی مستقلاً و بالذات دارای ویژگی‌های خاص و ادله اثبات دعوی مربوط به خود می‌باشد که ذیلاً مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۴-۱- ویژگی‌های دادرسی اسلامی

ویژگی نخست، عدم تفکیک مرحله تحقیق از مرحله محاکمه است. در این نظام قاضی خود عهده‌دار تحقیق، جمع‌آوری دلایل و محاکمه و صدور حکم نسبت به اتهام متهم است. به بیان دیگر «در این نظام حقوقی، مرحله تحقیق مقدماتی از مرحله رسیدگی قطعی تفکیک نشده است. قاضی رسیدگی‌کننده صلاحیت دارد که به تمام مراحل آن رسیدگی کند، حکم بدهد و آن را به‌موقع اجرا بگذارد»؟ (آخوندی، ۱۳۶۷، ۱۰۴) ویژگی دوم، وحدت قاضی است. «در دادرسی اسلامی، در قضاوت و صدور رأی، اصل تعدد قاضی پذیرفته نشده است و اگر قاضی صالح به رسیدگی باشد جلسات دادرسی با حضور وی رسمیت پیدا می‌کند. اجرای این اصل (وحدت قاضی) نیز مقید به وجود شرایط در قاضی از قبیل شرایط اجتهاد و شرط عدالت به مفهوم فقهی و شرعی آن می‌باشد». ویژگی سوم، یک‌درجه‌ای بودن رسیدگی است؛ یعنی اصل بر این است که به هر جرمی فقط یک‌بار رسیدگی می‌شود و حکمی که در پایان توسط قاضی صادر می‌گردد قطعی و غیرقابل تجدیدنظر خواهد بود. باین‌همه، به‌منظور رفع اشتباهات قضایی و جلوگیری از

اجرای احکام خلاف شرع، در موارد محدود و مشخصی، امکان بازنگری در حکم قاضی وجود داشته که جنبه استثنایی دارد. (خالقی، ۱۳۸۲، ۱۹)

۵- ادله اثبات دعوی در دادرسی اسلامی

در سیستم دادرسی جزایی اسلامی متهم از حکومت اصل برائت بهره‌مند است. برای اثبات وقوع هر یک از جرائم منصوص، وجود دلایل معین و مشخص ضروری است. چنانکه سرقت موجب حد به سه دلیل ثابت می‌شود: شهادت دو مرد عادل، دو مرتبه از اقرار سارق نزد قاضی و علم قاضی؛ و شرب خمر و قذف به دو دلیل ثابت می‌شود: به شهادت دو مرد عادل و دو بار اقرار مرتکب.

ادله اصلی برای اثبات جرم عبارت‌اند از: شهادت، اقرار، قسامه و علم قاضی. اقامه شهود تابع شرایط خاصی است. اقرار باید در حد کمال آزادی از طرف مقرر به عمل آید و به دفعات تکرار شود تا بیم اشتباه و نسیان در آن نباشد تا قاضی بتواند به صحت آن مؤمن گردد. اقرار هرگاه با تهدید یا تطمیع یا شکنجه حاصل شود ارزش و اعتبار نخواهد داشت؛ زیرا چنین اقراری نمی‌تواند کاشف حقیقت باشد. با توجه به ظاهر مقررات اسلامی مربوط به دلایل اثبات دعوی کیفری این فکر را به وجود می‌آورد که در این نظام، به گونه‌ای روش دلایل قانونی حاکمیت دارد؛ روشی که مورد ایراد و اعتراض قرار گرفته و قرن‌هاست مطرود و متروک شده است. ولی اگر به دیده تحقیق بنگریم و منصفانه قضاوت کنیم ملاحظه خواهد شد که در این نظام حقوقی دلیل باید کاشف از حقیقت باشد و به قاضی اطمینان بخشد که جرم واقع شده و متهم مرتکب آن است. به عبارت دیگر قاضی باید به هدایت دلیل یقین حاصل کند که متهم گناهکار می‌باشد. این روش نه فقط گونه‌ای از اعمال سیستم دلایل قانونی به شمار نمی‌آید بلکه درست همان سیستم دلایل معنوی است. همان کمال مطلوبی که علمای حقوق جزا تازه به اهمیت آن واقف شده‌اند و اصرار می‌ورزند به این که دلیل باید مبین حقیقت و موجد ایمان قاضی به وقوع جرم باشد. (آخوندی، ۱۳۶۷، ۱۰۲).

در نظام دادرسی اسلامی مرحله‌ای به نام مرحله تحقیقات مقدماتی وجود ندارد. قاضی رسیدگی‌کننده صلاحیت دارد که به تمام مراحل دادرسی رسیدگی کند، حکم بدهد و آن را به موقع به اجرا نیز بگذارد. اصولاً نصوص صریحی در قواعد شکلی از قبیل جلب، تعقیب و تحقیق از متهم در منابع فقهی وجود ندارد. غیر از موارد مربوط به ادله اثبات

جرم که توسط علما و مجتهدین مورد بحث و بررسی قرار گرفته است، در سایر موارد مربوط به قواعد و مقررات دادرسی منبع فقهی وجود ندارد. قواعد مربوط به تحقیقات، احضار متهم، کیفیت ابلاغ و بازرسی منزل و قواعد دیگر شکلی با توجه مصالح عامه و نظام اجتماعی کشور وضع شده است که قاضی رسیدگی کننده و طرفین دعوی ملزم به رعایت آن‌ها می‌باشند». (آخوندی، ۱۳۶۷، ۱۰۵).

۶- بزه دیده شناسی و نظریات مربوط به آن

رسیدگی به شکایت بزه دیده که جرم و آثار آن را تحمل و تجربه کرده است نباید رفتارهای تحقیرآمیز نسبت به او را فراهم کند، آن‌چنان‌که متحمل فشارها و ناملایمات جدیدی در بستر نهادهای آیین دادرسی کیفری شود. با بزه دیدگان باید باهمدردی و احترام رفتار شود، آن‌ها محق به دسترسی به سازوکاری قضایی و نیز جبران خسارات وارده به ایشان بر مبنای قوانین ملی هستند.

۶-۱- تاریخچه بزه دیده شناسی

اصطلاح «بزه دیده شناسی» یکی از مفاهیمی است که درباره معنای آن میان دانشمندان علوم اجتماعی از جمله جرم‌شناسان، جامعه‌شناسان و روانشناسان همواره بحث می‌شود. خاستگاه این مباحثه‌ها اغلب به این اختلاف نظر اساسی بازمی‌گردد که چه کسی برای نخستین بار این اصطلاح را به کار برده و چه معنایی از آن را در نظر داشته است. در این میان، از آنجاکه جرم‌شناسان بیشترین سهم را در رواج دادن این اصطلاح به‌منزله یک حوزه مطالعاتی خاص داشته‌اند، نظر غالب این است که اصطلاح مذکور در اصل به حوزه مطالعاتی خاصی برای بررسی رابطه میان قربانی جرم و بزه‌کار بازمی‌گردد که از دهه هفتاد میلادی به حوزه وسیع‌تری فراتر از قربانیان جرم به‌ویژه به قلمرو قربانیان نقض‌های حقوق بشری نیز گسترانده شده است.

بدین‌سان، می‌توان گفت که این اصطلاح چه از دیدگاه علمی - تجربی برای مطالعه نقش قربانی جرم در فرایند شکل‌گیری پدیده مجرمانه و چه از نظرگاه سیاسی برای تحقیق درباره حمایت از قربانیان نقض‌های حقوق بشری به حوزه مشخصی محدود است یا باید محدود باشد. این اصطلاح را خواه به‌منزله یک حوزه مطالعاتی وابسته به جرم‌شناسی و خواه به‌منزله یک رشته مطالعاتی نیمه‌مستقل، می‌توان به معنای بزه دیده

شناسی» به کاربرد. «بزه دیده شناسی» بدون هیچ بحث و تردیدی شاخه‌ای از جرم‌شناسی به شمار می‌رود. بزه دیده شناسی به هر مسئله‌ای که مربوط به بزه دیده باشد؛ از جمله شخصیت بزه دیده، ویژگی‌های زیست‌شناختی، روان‌شناختی و اخلاقی او، مشخصه‌های اجتماعی - فرهنگی‌اش، روابطش با مجرم و بالاخره مشارکتش در وقوع جرم، توجه می‌کند.

بزه دیده شناسی یا «Victimology» از دو کلمه «Victim» به معنای قربانی و «logy» به معنای شناخت است. این اصطلاح را اولین بار «وردهایم» - روان‌پزشک آمریکایی - در کتاب «نمایش خشونت» در سال ۱۹۶۹ در بحث جرم‌شناسی، بزه دیده شناسی به کاربرد؛ بنابراین بزه دیده شناسی شاخه‌ای از جرم‌شناسی و رشته‌ای علمی از علوم انسانی است که به مطالعه قربانی مستقیم جرم می‌پردازد. از نظر زیست‌شناسی جنایی و جامعه‌شناسی جنایی که آن را بزه دیده - مطالعه می‌کند، آنچه مربوط به خانواده او، گذشته و ویژگی‌های اخلاقی و شخصیت اوست مورد تفحص قرار خواهد گرفت.

هدف علم بزه دیده شناسی در واقع گسترش و تعمیق مطالعات مربوط به بزه دیده در جهت اتخاذ سیاست جنایی هرچه بهتر در امر مبارزه با جرم و پیشگیری از آن می‌باشد. تاریخ پیدایش بزه دیده شناسی به سال ۱۹۶۸ برمی‌گردد، سالی که کتاب «مجرم و قربانی» اثر «هانس فون هنتیک» به رشته تحریر درآمد. حقوق کیفری کلاسیک، نهادها و سازوکارهای خود را عمدتاً با توجه به بزه‌کار، عمل ارتكابی او و اوضاع و احوال موجود در زمان وقوع جرم بنانهاده است. همه این نهادها در واقع برای تشخیص بزه‌کار از غیر بزه‌کار و درنهایت، سزا دادن بزه‌کار تنظیم و جهت‌گیری شده است.

تا قبل از قرن نوزدهم تنها عده بسیار کمی از نویسندگان به بزه دیده توجه کرده بودند، یکی از این نویسندگان دون مانوئل دولار دیزابال اوریو بود که در سال ۱۷۸۲ در کتاب خویش تحت عنوان «سخنانی پیرامون مجازات‌ها» جبران خسارت بزه دیده را نیز یکی از اهداف مجازات‌ها معرفی کرد. (پرادل، ۱۳۸۱، ۶۷) مفهوم‌های اولیه بزه دیده شناسی را به جرم‌شناسان و جامعه‌شناسان بلکه شاعران، نویسندگان و داستان‌سرایان پی نهاده‌اند. داستان‌سرایانی که در میان آنان «توماس وی کوبنس»، «جبران خلیل جبران» و «آلدوس هاکسلی» به چشم می‌خورند.

اولین برخورد نظام‌مند با قربانیان بزه در سال ۱۹۶۸ در کتاب «هانس فون منتیک» با عنوان «بزه‌کار و قربانی او» پدیدار شد. واژه «بزه دیده شناسی» را در سال ۱۹۶۹ یک

روان پزشکی آمریکایی به نام «فردریک ورنام» برگزید و در کتاب خود با عنوان «نمایش خشونت» به کاربرد. در خلال سالیان نخست بزه دیده شناسی، نوشتارها درباره قربانیان بزه در مقایسه با نوشته‌های جرم‌شناسی رشد کمی داشت؛ اما طی دهه ۸۰ نشر عظیمی از کتاب‌ها و مقاله‌های ارزنده حاکی از ظهور عصر بزه دیده شناسی بود. از طرفداران جدی بزه دیده شناسی عمومی جهانی «رابرت الیاس» دانشمند سیاست پیشه در دانشگاه سان‌فرانسیسکو است. در سال‌های دهه ۱۹۷۰ مطالعه‌های فردی قربانیان جرائم خاص تحت تأثیر مطالعه‌های کلی بزه دیدگی قرار گرفت. طی ۲۵ سال اخیر بزه شناسی دچار تغییر و تحول عمده‌ای شد. بزه دیده شناسی اولیه جنبه نظری داشت که کم‌کم با تحقیق‌های افرادی نظیر «آلن برگر»، «ولفگانگ»، «کورتیس» و «سیلورمن» جنبه کاربردی پیدا کرد. نشست‌های بزه دیده شناسی آن را از یک نظام دانشگاهی به یک جنبش انسانی و از تحقیق علمی به عمل‌گرایی سیاسی تبدیل کرد، به‌طوری‌که در نخستین کنفرانس ملی قربانیان بزه - تورنتو ۱۹۸۵ - جنبش بزه دیده، صنعت توسعه‌یافته دهه نامیده شد. (شامبیاتی، ۱۳۸۹، ۱۱۴، ۶۷۰).

در قرن نوزدهم، رخداد تحولی مهم در عرصه علوم جنایی یعنی به وجود آمدن جنبش ایتالیایی تحقیقی، در مغفول ماندن هرچه بیشتر بزه دیده از دیدگان نظام عدالت کیفری، نقش قابل توجهی ایفا نمود. در نتیجه این تحول دانش «جرم‌شناسی» (رایجیان، ۱۳۸۱، ۱۱). (در سال ۱۸۷۹ با انتشار کتاب انسان بزهکار لمبروزو) متولد شد. از منظر مکتب تحقیقی، رفتار مجرمانه تحت تأثیر یکسری عوامل یا نیروهای جسمانی یا فیزیولوژیکی یا اجتماعی شکل می‌گیرد که مرتکبان آن، قادر به کنترل و حتی درک آن نیستند. در این رویکرد بزهکار خود قربانی جرم خویش تلقی می‌شود و این همان اندیشه «مجرم به عنوان قربانی جرم» است که با نفی اصل اختیار و آزادی اراده حقوق جزای کلاسیک، اصل اجبار را جایگزین آن می‌نماید. البته نویسندگان این مکتب نیز به حمایت از بزه دیده گهگاه همت گماشته‌اند. از جمله انریکو فری که در کنگره‌های انسان‌شناسی جنایی، حمایت از بزه دیده را ضروری می‌دانست. لیکن توجه این دسته از متفکران به بزه دیده امری جانبی و فرع بر توجه به بزهکار، مبارزه با وی و بزه ارتكابی، اصلاح و درمان مجرم و دفاع اجتماعی می‌باشد. با ورود به قرن بیستم، تحولی اساسی در وضعیت بزه دیده ایجاد شده است. این تحول شگرفت سبب بروز رویکرد متفاوت نسبت به مسئله بزه دیده گردید. از اواسط سده بیستم میلادی (حدود سال‌های ۱۳۳۰ خورشیدی) به تدریج،

روابط موجود قبل از عمل مجرمانه میان بزه‌کار و بزه دیده مستقیم، بیش از پیش توجه جرم‌شناسان را به خود جلب کرد و در فرضیه‌ها و مطالعات جرم‌شناختی، شخصیت بزه دیده و خصوصیات مختلف این شخصیت «جنبه‌های زیست‌شناختی، مثلاً سن که اطفال و سالمندان را آسیب‌پذیر می‌سازد و جنسیت که در حمله به زنان نقش مهمی دارد، آسیب‌شناسی که خطراتی را برای معلولان به دنبال دارد و جامعه‌شناختی» (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۷، ۳۴۷) و به‌ویژه تأثیر او در تکوین جرم مورد توجه قرار گرفت. به بیان دیگر بررسی عوامل بزه دیده زا و بزه دیدگی در کنار عوامل جرم‌زا، وارد مطالعات جرم‌شناسی شد و بدین‌سان رشته بزه دیده شناسی علمی «نخستین» در سال ۱۹۶۸ «یعنی تقریباً هفتادسال پس از تولد جرم‌شناسی» با انتشار کتاب «بزه‌کار و قربانی او» اثر «هانس فن هنتیگ» به وجود آمده. از آغاز سال‌های ۱۹۷۰ میلادی «حدود سال‌های ۱۳۵۰ خورشیدی» جریان‌های عقیدتی، به‌ویژه طرفداران حقوق زن با انتقاد به دیدگاه‌های بزه دیده شناسی علمی - که دست کم در مورد برخی جرائم، شخصیت، رفتار و نقش بزه دیده را بی‌تأثیر در فرایند ارتکاب جرم نمی‌دانستند و حتی او را مقصر در آنچه بر سرش آمده است قلمداد می‌کردند - بحث حمایت از بزه دیدگان مستقیم و غیرمستقیم را به میان کشیدند (بزه دیده شناسی حمایتی یا ثانویه).

بنابراین، با توجه به مطالب مذکور، رویکرد نخست بزه دیده شناسی را می‌توان مرحله مقصر انگاشتن بزه دیده در فرایند ارتکاب جرم و رویکرد دوم را مرحله حمایت از بزه دیده نام نهاد. البته به نظر تفکیک این دو رویکرد از یکدیگر و قرار دادن آن‌ها در عرض یکدیگر کار صحیحی نیست. توضیح اینکه در رویکرد نخست با بزه دیده شناسی اولیه نیز مراتبی از حمایت از بزه دیدگان به چشم می‌خورد. به عبارت دیگر طبقه‌بندی بزه دیدگان بر اساس معیارهایی چون سن یا جنس (اطفال، سالمندان و زنان بزه دیده در بزه دیده شناسی اولیه حاکی از نگاه حمایت گونه به این اقشار آسیب‌پذیر می‌باشد. به هر حال در چارچوب رویکرد دوم که قرائت عقیدتی از بزه دیده شناسی معرفی می‌شود، مطالعه علمی نقش بزه دیده در فرایند ارتکاب جرم، جای خود را به دفاع از حقوق بزه دیده داده و آن جنبش علمی اولیه، تبدیل به یک جنبش حمایتی مبارزاتی می‌شود. هدف این جنبش مبارز ارائه کمک و خدمات اجتماعی و حقوقی به بزه دیدگان و تلاش در جهت ترمیم آثار سوء ناشی از جرم عنوان می‌شود.

خلاصه اینکه حمایت از بزه دیده در میان علوم جنایی و جرم‌شناسی اهمیت قابل توجهی

یافته است و جایگاه ویژه‌ای در کنار رشته‌های دیگری چون حقوق کیفری، جرم‌شناسی و حتی در درون علم بزه دیده شناسی (بزه دیده شناسی نخستین) به دست آورده است. حمایت از بزه دیده علاوه بر بررسی موقعیت او در یک نظام کیفری خاص، نیازها و مشکلات او، راه‌های پاسخ به آن‌ها را نیز مدنظر قرار می‌دهد. امروز در کشورهای مختلف، راه‌های گوناگونی برای پاسخ به نیازهای بزه دیدگان و ترمیم آلام جسمی و به‌ویژه روانی آن‌ها وجود دارد و همان‌طور که گفته شد، این مطالب موضوع بحث رویکرد دوم بزه دیده شناسی با بزه دیده شناسی حمایتی می‌باشند.

۶-۲- پیشگامان بزه دیده شناسی

قبل از اینکه بدانیم بنیان‌گذار بزه دیده شناسی کیست باید گفت که مفهوم اولیه بزه دیده شناسی را نه جرم‌شناسان و جامعه‌شناسان بلکه توسط شعرا، نویسندگان و داستان‌سرایان بنانهاده شد. داستان‌سرایانی که در میان آن‌ها توماس دی کوپنس، خلیل جبران، آلدس هاکسلی، مارکوس دی سیه و فرانزورفل به چشم می‌خوردند. در مورد اینکه چه کسی برای اولین بار این اصطلاح را به کاربرد، اختلاف نظر وجود دارد. به باور وان دیک «مندلسون» نخستین کسی بوده که در سال ۱۹۶۷ این اصطلاح را در مقاله‌ای که به کنگره بخارست ارائه کرد به کاربرد. ولی، عزت عبدالفتاح بر این باور است که این اصطلاح برای نخستین بار در سال ۱۹۶۹ از سوی فردریک ورتام در ارتباط با قتل عمدی به کار رفت و سپس به جرم‌های دیگر نیز کشانده شد. (رایجیان، ۱۳۸۴، ۸۳) با این‌همه، باید گفت باوجود آنکه بنیامین مندلسون - وکیل کیفری آمریکایی، چند سال قبل از اینکه «هانس فن هنتیگ» در سال ۱۹۶۱ بدان بپردازد، در سال ۱۹۳۷ به ارزیابی علمی بزه دیده شناسی پرداخت (حتی این دو از فعالیت‌های یکدیگر در زمینه بزه دیده شناسی ناآگاه بودند ولی بنیان‌گذار بزه دیده شناسی را به‌عنوان یک‌رشته علمی خاص و در مفهوم مضیق کلمه، به تلاش‌های «هانس فن هنتیگ» آلمانی نسبت می‌دهند، یا به‌عبارت دیگر، هانس فن هنتیگ» اغلب به‌منزله بنیان‌گذار بزه دیده شناسی شناخته می‌شود و وی پدر بزه دیده شناسی می‌باشد.

هنتیک در سال ۱۹۶۰ به بررسی روابط مباشر جرم و قربانی او مبادرت ورزید و در همین راستا چندین گروه بزه دیده را از یکدیگر تشخیص داد. وی حاصل پژوهش‌های خود را در قالب کتابی به نام «بزه‌کار و قربانی او» در سال ۱۹۶۸ منتشر ساخت.

درنهایت، باید به تلاش‌های «هانری آلن برگر» روان‌پزشک کانادایی نیز اشاره داشت وی به تبیین سه مفهوم مهم در این رشته علمی یعنی «بزه‌کار - بزه دیده»، «بزه دیده پنهان» و «رابطه خاص بزه‌کار - بزه دیده» پرداخت. (کی نیا، ۱۳۷۰، ۱۲).

علاوه بر سه پیشگام فوق در زمینه دانش بزه دیده شناسی، نباید نقش عزت عبدالفتاح، جرم‌شناس کانادایی را در این زمینه نادیده انگاشت. وی در دهه ۱۹۶۰ و به‌طور دقیق‌تر در سال ۱۹۹۹، در سالنامه بین‌المللی جرم‌شناسی، بر اهمیت بررسی نقش بزه دیده از منظر جرم‌شناسی «علمی» تأکید می‌ورزد و علت حدوث این تأخیر را در توجه به‌طرف دوم پدیده جنایی «بزه دیده» را افراط و زیاده‌روی مکتب کلاسیک حقوق کیفری در تجرید پدیده بزه از بزه‌کار و همچنین رویکرد مکتب تحقیقی و اثباتی ایتالیایی در تمرکز بر بزه‌کار معرفی می‌کند. بدین ترتیب به نظر او هرچند توجه به عمل ارتكابی «مفهوم مجرد بزه» تنزل یافته و به حداقل می‌رسد، ولی بازم بزه دیده در پرده استتار باقی می‌ماند. (کی نیا، ۱۳، ۱۳۷۰).

۶-۳- انواع بزه دیده شناسی

بزه دیده شناسی یا مجنی علیه شناسی یا شناخت مجنی علیه شاخه جدیدی از جرم‌شناسی است که به بررسی قربانیان مستقیم جرم می‌پردازد؛ بنابراین شناخت بزه دیده و آنچه به او مربوط می‌شود موضوع این دانش نوین و این قسمت از پژوهش می‌باشد.

۶-۳-۱- بزه دیده شناسی اولیه

به مطالعه ویژگی‌ها و نقش بزه دیده در تکوین جرم و نیز رابطه قربانی جرم با مجرم می‌پردازد و در حقیقت بزه دیده شناسی اولیه شاخه‌ای از جرم‌شناسی علت شناسانه است که در آن نقش بزه دیده در وقوع جرم و به‌عنوان یکی از علل و عوامل ارتکاب جرم از سوی بزه‌کار بررسی و در کنار سایر علل و عوامل جرم‌زا قرار می‌گیرد و در مقابل بزه دیده شناسی پیشگیرانه به‌عنوان شاخه‌ای از جرم‌شناسی پیشگیرانه شیوه‌های پیشگیری از بزه دیدگی را بررسی و مطالعه می‌کند.

۶-۳-۲- بزه دیده شناسی ثانویه

این نوع از بزه دیده شناسی در اثر تحول و توسعه بزه دیده شناسی اولیه به وجود آمده است که دغدغه آن، بهتر ساختن سرنوشت بزه دیده با ارائه کمک، حمایت‌های مادی و معنوی و جبران خسارت‌های وی می‌باشد و انواع مختلف از حمایت‌ها را در شرایط گوناگون نسبت به بزه دیدگان پیشنهاد می‌کند که در ذیل به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌شود:

- حمایت از بزه دیدگان بلافاصله پس از تحقق جرم از قبیل حمایت‌های پزشکی، روان‌شناختی؛
- حمایت از بزه دیده در مرحله دادرسی از قبیل تفهیم حقوق و فراهم آوردن نیازهای حقوقی؛ (لپز، ۱۳۷۹، ۹۰).
- حمایت از بزه دیده در مرحله تأمین ضرر و زیان از قبیل تأمین خسارت زیان‌دیده از منابع دولتی.

۷- نظریات مربوط به بزه دیده شناسی

برای سالیان متمادی، تئوری‌های جرم‌شناسی متمرکز بر اعمال مجرمانه متهم بودند و نقش بزه دیده به گونه محسوسی نادیده گرفته می‌شد. سپس گروهی از محققان پی بردند که بزه دیده یک موضوع خنثی در جرم نمی‌باشد بلکه کسی است که رفتار او می‌تواند بر سرنوشتش مؤثر واقع شود و اینکه بزه دیده ممکن است با نیت قربانی شدن به عمل مجرمانه کمک نماید. در نتیجه در تشکیل جرم لازم است که تمرکز بر بزه دیده صورت گیرد. در خصوص بزه دیدگی، امروز تئوری‌های مختلفی وجود دارد که به بیان و توجیه علل بزه دیدگی‌ها و قربانی سازی‌ها می‌پردازند که ما در اینجا به اختصار به سه نمونه از آن‌ها اشاره می‌کنیم. (گودرزی، ۱۳۷۹، ۳۳).

۷-۱- نظریه شتاب‌زدگی (نقش بزه دیده در تحریک و تشویق به عمل مجرمانه)

برخی افراد ممکن است موجبات بزه دیدگی خود را فراهم سازند یا به عبارت بهتر موجب تحریک و تشویق اعمال مجرمانه گردند، بدین شرح که در درگیری‌های تعارض آمیز، خود آغازگر تهاجم هستند، تهاجمی که نهایتاً منجر به ضرب و جرح و یا

حتی مرگ شخص مهاجم می‌شود. مفهوم تحریک و تشویق بزه دیده به‌وسیله ماروین ولفگانگ در مطالعه قتل در سال ۱۹۵۷ شهرت یافت. او پی‌ری که بزه دیده جرم اغلب در مرگ خود مداخله دارد و ۲۰ درصد از تمام قتل‌ها می‌تواند در اثر تحریک و تشویق بزه دیده صورت گیرد. (الستی، ۱۳۸۵، ۲۶) دو نوع از تحریک و تشویق بزه دیده وجود دارد:

۷-۱-۱- تحریک و تشویق فعال

زمانی محقق می‌شود که بزه دیده به‌طور تحریک‌آمیزی اقدام به تهدید طرف مقابل نموده و با بکار بردن واژه‌های تحریک‌آمیز وی را تشویق و تحریک به نزاع و درگیری نماید. برای نمونه برخی از متخصصان پیشنهاد کردند که زنان بزه دیده تجاوز با مهاجمان خود با پوشیدن لباس‌های تحریک‌کننده یا ادامه رابطه با او همکاری می‌کنند.

۷-۱-۲- تحریک و تشویق منفعل

بزه دیده ناخواسته و به علت وجود برخی ویژگی‌های و خصائص شخصی، منافع مهاجم را تهدید می‌کند و ندانسته او را تشویق و تهییج به حمله و تهاجم می‌کند. به‌عنوان مثال عواملی نظیر رقابت‌های شغلی و یا رقابت‌های عشقی به‌طور هم‌زمان و بدون اینکه بزه دیده متوجه این امر باشد که شغل و باعلاقه عشقی وی، منافع دیگری را هم مورد تهدید قرار می‌دهد.

۷-۲- نظریه نوع زدگی

بر اساس این دیدگاه، علل بزه دیدگی برخی افراد «شیوه یا سبک زندگی آن‌هاست. برخی از جرم‌شناسان معتقدند که افراد ممکن است بزه دیده جرم شوند به دلیل اینکه نوع زندگی آن‌ها امکان اینکه در معرض ارتکاب جرم قرار گیرند را افزایش داده است. به‌عنوان مثال، عضویت در شبکه‌های قاچاق، اسلحه حمل نمودن، فروش مواد مخدر و ... امکان بیشتری است که مورد تیراندازی قرار گیرند یا به‌وسیله گروهی از افراد خودی کشته شوند. (کی‌نیا، ۱۳۷۰، ۵۱).

۷-۳- نظریه اعمال روزمره

از نگاه این تئوری عمل مجرمانه به وقوع پیوسته و بزه دیدگی، در ارتباط با طبیعت خصوصیات زندگی روزانه در رفتار انسان است. مطابق این دیدگاه، میزان جرائم خشن می‌تواند بیانگر سه عامل باشد. فراهم آوردن انگیزه برای مرتکبان (مانند تعداد زیادی از جوانان بیکار با استفاده زیاد از مشروبات الکلی و مواد مخدر) هدف‌های مناسب (مانند خانه‌های بی‌حفاظ، ماشین‌هایی که قفل نشده‌اند) و فقدان امنیت مؤثر محافظت‌کننده‌ها مانند پلیس. بر اساس این نظریه فعالیت‌های روزمره ممکن است آن‌ها را با خطر مواجه سازد.

۸- فلسفه توجه به شاکی و بزه دیده

با مطرح‌شدن اندیشه حمایت از بزه دیدگان و پیدایش بزه دیده شناسی حمایتی در سده بیستم، جایگاه فراموش‌شده بزه دیده در فرایند کیفری احیا شد و یافته‌های آن در قالب ملاک‌های جهانی در زمینه حمایت از بزه دیده تجلی یافت. بزه دیده شناسی حمایتی ضمن مطالعه جایگاه بزه دیده در فرایند کیفری، او را شایسته حمایت انگاشته و حمایت از او را بر پایه ملاک‌های جهانی، در گرو رفتار منصفانه جهت دسترسی به عدالت می‌داند. بزه دیده شناسی حمایتی بر این اندیشه استوار است که جامعه محلی و کل جامعه با مرکزیت نظام عدالت جنائی باید در تمام سطوح سیاست‌گذاری جنائی (تقنی، قضائی، اجرائی و مشارکتی) توجه به حقوق مادی و معنوی بزه دیده را مدنظر قرار دهد و طی تدابیر برنامه‌ریزی‌شده موقعیت حقوقی بزه دیده در فرایند کیفری مورد توجه قرار گرفته، نیازهای بایسته وی مرتفع گردد. در واقع حامیان حقوق بزه دیده بر این باور هستند که بزه دیده باید مورد حمایت و کمک‌رسانی قرار گیرد و دولت و جامعه مدنی در ارائه کمک و خدمات‌رسانی به وی حداکثر تلاش خود را بنمایند تا بزه دیده در وضعیت پیش جنائی و پس جنائی از این حمایت‌ها بهره‌مند گردد.

در این راستا حمایت از بزه دیدگان توجه جامعه بین‌المللی را به خود معطوف ساخت و دولت‌ها در راستای احیای حقوق بزه دیده تلاش کردند. حاصل این تلاش‌ها در دهه ۱۹۸۰ در قالب کنوانسیون اروپایی پرداخت غرامت به بزه دیدگان جرائم خشونت‌بار ۱۹۸۳ در سطح منطقه‌ای و اعلامیه سازمان ملل متحد راجع به اصول بنیادی عدالت برای بزه دیدگان و قربانیان سوءاستفاده از قدرت ۱۹۸۵، در سطح جهانی، ظاهر شد. این

دو سند نخستین اسناد بین‌المللی هستند که به حمایت از بزه دیدگان اختصاص یافته‌اند. در واقع این اسناد تبلور بزه دیده شناسی حمایتی بین‌المللی هستند. بازتاب این اسناد موجب شد که برای نمونه به دنبال تصویب کنوانسیون اروپایی کمیته وزیران شورای اروپا با صدور چند توصیه‌نامه قلمرو موضوع حمایت از بزه دیدگان را فراتر از قلمرو کنوانسیون اروپایی گسترش دهد و بسیاری از کشورها در زمینه حمایت از بزه دیدگان گام‌های مؤثر و سازنده‌ای بردارند و در مسیر سیاست جنائی بزه دیده مدار حرکت نمایند. این جنبش با تصویب اعلامیه ۱۹۸۵ سازمان ملل جهانی شد و سیاست جنائی سازمان ملل ویژگی بزه دیده مدار پیدا کرد. (کی نیا، ۱۳۷۰، ۱۲) این اعلامیه به‌عنوان منشور بزه دیده موقعیت بزه دیدگان را احیا و جایگاه فراموش‌شده آن‌ها را دوباره به رسمیت می‌شناسد. این اعلامیه سندی است که اصول بنیادی آن بر پایه یافته‌های بزه دیده شناسی حمایتی بنا شده است.

۹- بزه دیده و اسناد بین‌المللی

اعلامیه ۱۹۸۵ نقطه اوج و شکوفایی تلاش‌های سازمان ملل برای حمایت از بزه دیدگان که به روی کرد بین‌المللی در این حوزه جنبه جهانی بخشید. این اعلامیه نتیجه تلاش‌های این سازمان برای پایه‌ریزی ملاک جهانی جهت حمایت از بزه دیده می‌باشد که نوعی از بزه دیده شناسی حمایتی است. این مؤلفه‌ها در ضمن اینکه حقوق بزه دیده را به رسمیت می‌شناسد گامی بزرگ در جهت ضابطه‌مند ساختن حقوق بزه دیدگان در چارچوب مفهوم دست رسی به عدالت و رفتار منصفانه می‌باشد. حمایت‌های موجود در این سند را می‌توان به دو بخش حمایت‌های ماهوی و با تأکید بر حمایت کیفری و حمایت‌های شکلی حمایت‌های آیین دادرسی مدار دسته‌بندی کرد.

۹-۱- رعایت احترام و منزلت بزه دیده

احترام به شأن و منزلت انسانی یکی از اساسی‌ترین حقوقی است که برای انسان به شمار می‌آید. انسان‌ها می‌بایست فارغ از رنگ، نژاد، مذهب، بزه‌کار یا بزه دیده بودن با احترام و رعایت شأن و منزلت انسانی با او رفتار شود. در پاراگراف ۳ اعلامیه ۱۹۸۵ به این موضوع اشاره شده آن‌گونه که بیان می‌دارد. مقررات مندرج در این اعلامیه باید بدون هیچ تمایزی همچون نژاد، رنگ، جنس، سن، زبان،

مذهب، ملیت، باور سیاسی یا باور دیگر، آداب و رسوم فرهنگی، دارایی، موقعیت تبار با خانواده، خاستگاه قومی یا اجتماعی یا ناتوانی (بدنی یا روانی)، درباره همه اشخاص به کار رود.» (رایجیان، ۱۳۸۳، ۱۸۹).

۹-۲- شناسایی بزه دیدگی ثانویه و توصیه به رفتار کرامت مدار با بزه دیدگان

بزه دیدگی ثانویه یا فرعی «secondary victimization»، شامل ناملایماتی می‌شود که شاکی یا بزه دیده ممکن است در مراجع پلیسی (ضابطین) و مراجع قضایی و اداری در ارتباط با شکایت، اقدام و حضورش در آن مراجع متحمل شود.» (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۴، ۱۹).

در اعلامیه با تأکید بر این که «مأموران پلیس و دیگر دست‌اندرکاران دستگاه عدالت جنائی باید در خصوص رعایت حقوق بزه دیده آموزش ببینند». غیرمستقیم اشاره به مسئله بزه دیدگی ثانویه نموده و به نقش برخی نهادها، پلیس، دادسرا، دادگاه و ... به ایجاد این نوع بزه دیدگی پس از بزه دیدگی اولیه اشاره می‌کنند و در کنار اشاره به این نوع بزه دیدگی که ناشی از عدم آگاهی دست‌اندرکاران دستگاه عدالت جنائی در خصوص حقوق بزه دیده است. اشاره به رفتار توأم با احترام با بزه دیدگان نیز تأکید می‌کند، چنانچه که در ماده اعلامیه مقرر می‌دارد: «با بزه دیدگان باید با همدردی و احترام به کرامت آنان رفتار شود، آن‌ها محق به دسترسی به سازوکارهای قضایی و نیز جبران خسارت وارده به ایشان بر مبنای قوانین ملی هستند.» (راهیجان، ۱۳۸۳، ۱۸۹).

رفتار با احترام و حفظ شأن اجتماعی بزه دیده یکی از اصلی‌ترین حقوق انسانی او محسوب می‌شود چراکه او همانند هر انسان دیگری قابل احترام است و چنانچه این اصل رعایت نشود بزه دیده دچار بزه دیدگی ثانویه که قبلاً به آن اشاره شد می‌شود و ما با رعایت اصولی چون این اصل می‌توانیم از بروز چنین مشکلاتی جلوگیری کنیم.

حفظ کرامت انسانی بزه دیده تأثیر بسزایی در کاهش رقم سیاه بزه دیدگی و به تبع آن در بزه‌کاری دارد، چون احترام به بزه دیده موجب می‌شود که او برای مراجعه به دستگاه عدالت کیفری تمایل بیشتری داشته باشد و از طرف دیگر چنین اقدامی در جلب اعتماد و اطمینان بزه دیده به دستگاه عدالت کیفری زمینه‌ساز و تأثیرگذار است.» (ابراهیمی، بی‌تا، ۲۹۶).

بدین ترتیب حمایت از بزه دیده و حفظ کرامت انسانی او و رفتار کرامت مدار دستگاه

قضائی با بزه دیده باعث می‌شود که دیدگاه او نسبت به دستگاه عدالت جنائی دیدی مثبت و احساس دست‌یابی به عدالت در او متبلور شده که این خود مانع انتقام‌های خودسرانه و ایجاد جرائم جدید شده و علاوه بر آن از بزه دیدگی ثانویه او جلوگیری می‌کند.

در بند اصل دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (از این به بعد، قانون اساسی نامیده می‌شود) آمده است: «جمهوری اسلامی، نظامی است بر پایه ایمان به کرامت و ارزش والای انسان...» که از این اصل می‌توان رفتار کرامت مدار با بزه دیده را استنباط کرد و در سایر اصول نیز ردپای این نوع رفتار، احترام به منزلت و کرامت بزه دیده، دیده می‌شود. در قوانین عادی نیز رفتار کرامت مدار مورد توجه قرار گرفته است. در بند ۴ ماده واحده قانون «احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی» مصوب ۱۳۸۳ آمده است «با دادخواهان... لازم است اخلاق و موازین اسلامی کاملاً مراعات گردد» که منظور از دادخواهان همان بزه دیدگان است.

در مقررات آیین دادرسی کیفری نیز موارد متعددی در این خصوص می‌باشند. در ماده ۱ و ۱۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۹۲ امکان مطالبه ضرر و زیان نیز برای بزه دیده از طریق قواعد آیین دادرسی کیفری فراهم می‌شود. پس همان اهداف اصلی بزه دیده یعنی تعقیب بزه‌کار و جبران ضرر و زیان مورد اشاره قانون‌گذار می‌باشد.

۹-۳- ارائه دیدگاه‌ها و نظرات بزه دیده

در اعلامیه ۱۹۸۵ (پاراگراف آب اعلامیه ۱۹۸۵) در خصوص ارائه دیدگاه‌ها و نظرات توسط بزه دیده این‌گونه آمده است: «اجازه طرح و در نظر گرفته شدن دیدگاه‌ها و نگرانی‌های بزه دیدگان در مراحل مناسب رسیدگی‌ها، بدون غرض‌ورزی نسبت به متهم و هماهنگ با نظام عدالت کیفری داخلی مربوط، وقتی تأثیر پذیرفتن منافع شخص بزه دیدگان در میان باشد». (رایجیان، ۱۳۸۳، ۱۸۹).

این که بزه دیده بتواند اندیشه‌های خود را در مراحل مختلف رسیدگی‌های کیفری بیان کند و بدین‌وسیله بتواند به حق خود برسد یکی دیگر از حقوقی است که نظام عدالت کیفری می‌بایست در جهت اعتلای حقوق بزه دیده به آن توجه کند؛ و توجه به این موضوع می‌تواند کمک شایانی به بزه دیده در رسیدن به حقوق حداکثری‌اش نماید و

البته باید به این نکته هم اشاره کرد که ارائه این دیدگاه‌ها و نظریات می‌بایست در جهت موازی حقوق متهم باشد نه اینکه به حقوق متهم لطمه وارد سازد. یکی از ترکیباتی که نظام‌های حقوقی گوناگون برای اجرای این حق آشکار به کار می‌بندند، بهره‌گیری از فرم‌های اظهارات بزه دیده درباره آثار جرم است که بر پایه آن، بزه دیده می‌تواند گزارش کاملی از آثار جرم روی داده بر خود را تنظیم و به دادگاه ارائه کند. این گزارش ممکن است کتبی یا شفاهی و در هر صورت باید اطلاعات و خدمات کافی و مناسبی برای دادن این گزارش در اختیار بزه دیده قرار گیرد». (رایجیان، بی تا، ۱۲۶).

۹-۴- آگاه‌سازی بزه دیده از حقوق خود

اطلاع و دسترسی مناسب بزه دیده به حقوق خود را می‌توان در شمار یکی از مهم‌ترین حقوق در نظر گرفت و اما باید به این نکته هم اشاره کرد که این آگاه‌سازی صورت‌های مختلفی به خود می‌گیرد. «آگاه‌سازی بزه دیدگان از نقش و قلمروی خود، زمان بندی، واروند پیشرفت رسیدگی‌ها و وضعیت پرونده‌هایشان - به‌ویژه در مورد جرم‌های شدید و وقتی چنین اطلاعاتی را درخواست کرده باشد» (رایجال، بی تا، ۱۲۶) گاه این اطلاع‌رسانی می‌تواند درباره چگونگی انجام مراحل تحقیقات جنائی باشد که در جهت درخواست بزه دیده می‌تواند این اطلاع‌رسانی تا جایی که لطمه به روند تحقیقات نزند انجام شود؛ اما این آگاه‌سازی با توجه به این که دارای جنبه‌های مختلفی می‌باشد در نتیجه وسایل گوناگونی را در جهت این اطلاع‌رسانی می‌طلبد.

نکته بسیار مهم درباره آگاه‌سازی بزه دیدگان این است که اطلاعات درخواست شده باید با روش‌هایی مانند انتشار جزوه، پوستر، بروشور یا به کمک شبکه‌های رایانه‌ای پایگاه‌های اینترنتی در اختیار آنان قرار گیرد. بر همین پایه بسیاری از کشورها مانند برزیل، فرانسه و نیجریه و سازمان‌های داوطلب به انتشار کتاب‌ها یا بروشورهایی پرداخته‌اند که مطالب اصلی آیین دادرسی را در برداشته، حقوق و تعهدهای بزه دیدگان را توصیف می‌کنند». ۱ (رایجال، بی تا، ۱۲۹).

ایجاد راه‌کارهایی جهت ارائه اطلاعات لازم به بزه دیده در خصوص حقوق خویش، خدمات مشاوره حقوقی و اقداماتی از این دست از اصلی‌ترین حقوق بزه دیده در اعلامیه ۱۹۸۵ به شمار می‌آید که به آن اشاره شده است. امروزه در ایران با تأسیس نهادهای

ارشاد و معاضدت قضایی» در دادگستری‌ها که با بهره‌گیری افراد مجرب و کارشناس پاسخگوی نیاز بزه دیدگان و ارائه اطلاعات لازم در خصوص چگونگی پیگیری صحیح پرونده، تنظیم شکوائیه و بسیاری از اطلاعاتی که به نحو چشمگیری به بزه دیده در رسیدن به حقوق خویش کمک می‌کند می‌باشند، ارشاد و مددکاری اجتماعی در مراکز پلیس ایران، راه‌اندازی سیستم مدیریت پرونده قضایی (CMS) در کلیه دادگستری‌ها کشور که حرکت رو به رشدی را در جهت اعتلای حقوق بزه دیده به وجود آورده و دسترسی آسانی را برای اصحاب دعوی در جهت کسب اطلاعات لازم فراهم نموده است و همچنین تأسیس مرکز پاسخگویی و توانمندسازی خدمات الکترونیک قوه قضاییه از خردادماه ۱۳۸۶ که بزه دیدگان از طریق تماس تلفنی با این مرکز می‌توانند مشاوره حقوقی دریافت کنند.

سایر نهادهای مدنی نظیر انجمن حمایت از حقوق کودکان معلول، انجمن حمایت از دختران بی‌سرپرست، انجمن حمایت از حقوق کودکان و خانواده، انجمن دفاع از قربانیان خشونت، سازمان‌های بین‌المللی دفاع از حقوق کودک «کامل»، انجمن حمایت از حقوق کودکان و... که خدماتی را در جهت مشاوره‌های حقوقی رایگان، انجام معاضدت حقوقی و پیگیری پرونده‌های مربوط، خدمات مددکاری را انجام می‌دهند.» که گام‌هایی بزرگ در جهت اعتلای حقوق بزه دیده و آگاه‌سازی او از حقوق حقه خویش برداشته شده است. (بیگی، ۱۳۸۶، ۶۷).

نتیجه‌گیری

ضمن تأکید بر این که در حقوق ایران با تأثیر از نگرش‌های خاص اجتماعی و متأثر از فقه اسلامی جایگاه حقوقی نسبتاً مناسبی برای بزه دیده و شاکی در نظر گرفته شده است، لیکن باید توجه کرد که صرف ایجاد موقعیت و جایگاه حقوقی برای شاکیان واقعی در قالب اقامه دعوا، اخذ جبران خسارت به شکل دریافت دیه و ... نه تنها خود در برخی موارد جبران‌کننده تمام‌عیار خسارات مادی و معنوی ملموس نیست، بلکه از سوی دیگر تأمین‌کننده همه حقوق بزه دیده و نیازهای او نیز نمی‌باشد و از طرف دیگر مقدار حقوقی که قانون‌گذار، در حمایت و احقاق حق شاکی لحاظ نموده باید مسیر دستیابی به این حقوق نیز تسهیل گردد؛ یعنی حصول این حقوق به منفعتش ارزش داشته باشد، به طوری شود که شاکی علاوه بر اینکه مورد تجری واقع شده بلکه در روند دادرسی عمری تلف نماید یا هزینه‌های دیگری هم متحمل شود ولی به علت پیچ‌وخم دار بودن فرآیند دادرسی یا عدم خدمات حقوقی از ناحیه دستگاه قضایی یا به موجب سوء برخورد اسرار زندگی آن‌ها در روند آن دادرسی (مانند جرائم منافی عفت) برملا و فاش گردد لذا تغییر و تحولات قوانین کیفری در حمایت از شاکی نقش مؤثر خواهد داشت، بدون تردید قوانین در بسیاری از کشورها از جمله ایران «چه قوانین کیفری و چه سایر قوانین که به نحوی از آنجا با امور کیفری سروکار دارند» تا حدود زیادی بزهکار محور بوده‌اند. به‌عنوان مثال در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، حق داشتن وکیل توسط طرفین در رسیدگی به جرائم دادگاه‌ها به نحو علنی حضور هیئت‌منصفه در برخی موارد، منع بازداشت غیرقانونی و... تأکید شده اما اگر نگاه کنیم تفاسیر رسمی و حتی کلاس‌های آموزشی، بزهکار محور شده‌اند، بنابراین نوع نگرش ما دانش‌جویان «که پایه ریزان سیاست‌های جنایی آینده هستیم» به سمت حمایت از بزه‌کاران گرایش پیدا کرده است. باید در کنار حمایت از حقوق متهم و بزهکار، حقوق شاکی هم در قانون اساسی مدنظر قرار بگیرد، لذا همان طوری که بزهکار حق دارد. وکیل انتخاب کند به‌ویژه در جرائم بسیار مهم مثل جرائم مشمول اعدام، اگر وکیل معرفی نکند یا توان پرداخت هزینه وکیل را نداشته باشد وکیل تسخیری برای وی انتخاب و معرفی می‌شود شاکی و متضرر باید از چنین حقی برخوردار باشند.

تشکیل دوایری در ناجا و دادسرا به‌منظور شناخت، بزه دیده و شاکیانی که مستحق کمک هستند، «از نظر، روانی، عاطفی، مالی، حقوقی» و بررسی مشکلات قبل از وقوع

جنایت علیه آن‌ها و بعد از وقوع آن، همچنین بررسی دلایل و سنجش نوع شکایت آن‌ها از نظر اینکه آیا شاکی جزء دسته شاکیان واقعی است و مستحق حمایت است یا خیر و توجه به دلایل مورد ادعای ایشان مبنی بر اینکه آیا شاکی جزء افرادی می‌باشد که طرح شکایت را کسبه کار خود قرار داده؟ یا هدف اولین است که به طرف مقابل زهره چشم گیرد؟ یا اینکه به خاطر آسیبی که از ناحیه مجرم به او وارد شده طرح شکایت نموده است. قوانین به نحوی تنظیم شوند در جرائمی که اتهام متهم محرز و دلایل مجنی علیه کافی است در حین انجام تحقیقات مقدماتی در صورت امکان زیان‌های وارده ناشی از جرم ترمیم شوند. خصوصاً جرائم غیر عمدی مانند تصادفات که گاهاً مشاهده می‌شود مجنی علیه به علت فقر مالی توان مداوا کردن خود را ندارند یا اینکه نیاز به تشریفات آیین دادرسی مدنی در مطالبه خسارات نباشد مانند محکومیت‌های کلاه‌برداری، خیانت‌درامانت و سرقت... همچنین در جرائمی که زیان دیده، از جرم به علت توهین، افترا، فحاشی، ایجاد مزاحمت و به نحوی از انحاء در صورت امکان مجازات‌های نقدی به حساب شاکی خصوصی پرداخت می‌شود. به نظر می‌رسد که حمایت قضایی از دیدگاه سیاست جنایی، دولت در سه سطح تقنینی، قضایی و اجرایی با هماهنگی و مشارکت جامعه مدنی می‌تواند به حمایت از شاکیان مستحق جامعه عمل بیوشاند. وضع قوانین جامع و کارآمد شفا، «اعم ماهوی و شکلی» با تأکید بر شخصیت انواع شاکی و آسیب‌پذیری برخی از آن‌ها مانند زنان و کودکان به دلایلی همچون جنس و سن و پیش‌بینی ضمانت اجرایی مشخص و معمولاً «کیفری»، ترسیمی از الگوی حمایتی است که باید در این سطح در نظر گرفته شود. حمایت کیفری از رهگذر ساز کاری به نام «جرم انگاری» رایج‌ترین و سنتی‌ترین گونه حمایت از قربانیان کیفری در چارچوب سیاست جنایی، تقنینی شناخته شود. با توجه وضعیت آسیب شناسانه افراد ضعیف و بزه پذیر از جمله زنان، کودکان، سالمندان و ناتوان، قانون‌گذار ملزم شود در کنار ضمانت اجرایی کیفری، سازوکارها یا ضمانت اجرایی دیگری از نوع مدنی، اداری، انضباطی و مانند آن در جهت حمایت از شاکیان و قربانیان جرم وضع نماید و به‌طور دقیق به اجرا درآید. هنگام ایراد اعتراض به حکم کیفری توسط متهم به طریقی شاکی نیز مطلع از اعتراض آن شود و در صورت نیاز در برابر جهات اعتراض متهم ایراد دفاع نماید. در رضایت‌های که شاکی به عواقب آسیب یا بزه وارد آگاه نیست خصوصاً در جرائم علیه تمامیت جسمی که شاکی خیلی اطلاعات پزشکی لازم را در خصوص صدمات وارده

ندانسته یا اینکه تحت تأثیر احساسات یا اذهان جمعی واقع شده و اعلام رضایت نمود لیکن بعد از مدتی به علت شدت جراحت دچار آسیب شدید شده ولی راه برگشتی ندارد، در این خصوص اصل منجر و قطعی بودن رضایت لحاظ نشود.

فهرست منابع

منابع فارسی

- ۱) آخوندی، محمود، ا.د. ک. ج اول، انتشارات جهاد دانشگاهی، سال ۱۳۹۷.
- ۲) آخوندی، محمود، علل اطاله دادرسی در نظام جمهوری اسلامی ایران.
- ۳) آخوندی، محمود، علل اطاله دادرسی در نظام جمهوری اسلامی ایران مجله حقوقی دادگستری، ۱ ش ۲۷ (تابستان ۱۳۷۸).
- ۴) آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری، جلد اول، انتشارات سمت، چاپ هفتم، سال ۱۳۸۲...
- ۵) آموزش کارکنان و تخصصی شدن پلیس. ر.ک، بوئر، آلن وروفر، اگزویه، خشونت و نامنی شهری ترجمه محمدرضا گودرزی، بروجردی، ج نخست، انتشارات مجد، ۱۳۸۲.
- ۶) آقای، بهمن فرهنگ حقوقی بهمن انتشارات گنج دانش (کتابخانه گنج دانش) چاپ سوم، ۱۳۸۵.
- ۷) آقائی جنت‌مکان، حسین، حقوق کیفری عمومی بر اساس قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۰ - انتشارات جنگل، جاودانه، چاپ اول، ۱۳۹۰.
- ۸) ابراهیمی، زین‌العابدین، بررسی علل اطاله دادرسی در محاکم عمومی جمهوری اسلامی ایران، مجله کانون وکلای دادگستری مرکز.
- ۹) اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، جلد اول، نشر میزان، چاپ شانزدهم، زمستان ۱۳۸۵.
- ۱۰) اردبیلی، محمدعلی، مصاحبه اختصاصی با ماهنامه آموزشی - خبری (تعالی حقوق) دادگستری استان خوزستان، سال اول، شماره ۳، آذر ۱۳۸۵.
- ۱۱) التاویلا، انریکو، روانشناسی قضایی، ترجمه مهدی کی نیا، انتشارات مجمع علمی فرهنگی مجد تهران، چاپ اول، ۱۳۷۶.
- ۱۲) الستی، ساناز و حسن‌پور، معصومه. بزه دیده شناسی و پیشگیری از بزه دیدگی، ماهنامه، شماره ۵۶، ۱۳۸۵.

- ۱۳) اعتدال، محمد، آیین دادرسی کیفری در نظام نوین ایران، چاپ اول، انتشارات نوید، ۱۳۷۸
- ۱۴) افسران، قاسم (امیر)، علوی، ابوذر، آیین دادرسی کیفری در آئینه نمودار تهران، نگاه بینه، چاپ اول، ۱۳۸۷
- ۱۵) ایمانی، عباس، فرهنگ اصطلاحات حقوق کیفری، انتشارات آریان.
- ۱۶) بابایی، ایرج، حقوق بیمه. انتشارات سمت. چاپ هفتم، سال ۱۳۸۷
- ۱۷) باقری نژاد، زینب، ((رویکرد حمایتی))، شهود در قوانین کیفری ایران و فرانسه، مجله حقوقی دادگستری شماره ۱۷، پاییز ۱۳۸۸
- ۱۸) بیگی، جمال، بزه دیدگی اطفال در حقوق ایران، نشر میزان، تهران، صص ۳۲ تا ۵۰ به نقل از عباس شیری، رفتار کرامت مدار با بزه دیدگان، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم سال دوم، شماره چهارم، پائیز ۸۹ ص ۴۷.
- ۱۹) باد، ابراهیم، حقوق کیفری اختصاصی، جلد اول، چاپ سوم، تهران ۱۳۵۲.
- ۲۰) پرادل، ژان. تاریخ اندیشه‌های کیفری، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۱.
- ۲۱) پیمان ابراهیمی، بزه دیده به‌منزله شاکی و حقوق او در مقررات دادرسی کیفری، مجله حقوقی و قضائی دادگستری، شماره ۵۲.
- ۲۲) توجهی (عبدالعلی) جایگاه بزه دیده در سیاست جنایی ایران پایان‌نامه دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس سال ۱۳۷۷ و نجفی ابرندآبادی (علی حسین) مباحثی در علوم جنایی تقریرات، سال ۱۳۸۱.
- ۲۳) جعفری لنگرودی، ترمنیولوژی حقوق، چاپ سیزدهم انتشارات گنج دانش سال ۱۳۸۲
- ۲۴) جوانمرد، بهروز، فرآیند دادرسی در حقوق کیفری ایران، انتشارات بهنامی، چاپ دوم، بهار ۱۳۹۰
- ۲۵) حاجیان، حسین، صلاحیت علمی و تخصصی در دادرسی، قسمت اول تبیان، مرداد ۱۳۸۰. ۲۹)
- ۲۶) حاجی ده آبادی، احمد، مقاله از جبران خسارت توسط بزهکار تا جبران خسارت توسط دولت، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۱۰.
- ۲۷) حجراتی مجید، فرهنگ کوچک حقوقی فارسی، انگلیسی، انتشارات تهران چاپ

۱۳۸۲، ۱۳۸۷.

۲۸) حقوق جزای عمومی، هوشنگ شامبیاتی، ۱۳۸۹.

۲۹) خالقی، علی... د.ک انتشارات شهر دانش چاپ ششم، ۱۳۸۶، صفحه ۶۳.

۳۰) خدامرادپور، نظام دادرسی، فصلنامه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، سال ۳۷، شماره ۱، بهار ۱۳۸۹.

۳۱) داودی گرمارودی، هما «بررسی پویایی و پایایی مکتب نئوکلاسیسم باز اندیشیده» رساله دکتر رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده دانشگاه تهران، ۱۳۸۳.

۳۲) دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، مجله فقه و حقوق، شماره ۵.

۳۳) دلاوری، محمدرضا، علل اطاله دادرسی و راهکارهای مقابله با آن. کیهان ۷۹/۱۲/۰۹.

۳۴) رایجیان اصلی (مهرداد) موقعیت اطفال بزهکار بزه دیده در حقوق کیفری ایران فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی؛ دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری شماره ۲۵

سال ۱۳۸۱

۳۵) رایجیان اصلی، مهرداد، بزه دیده شناسی حمایتی، انتشارات دادگستر، سال ۱۳۸۶.

۳۶) رایجیان اصلی، مهرداد، بزه دیدگان و نظام عدالت جنایی، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۲ و ۵۳، ۱۳۸۶.

۳۷) رایجیان اصلی، مهرداد، جرم انگاری سوءاستفاده از قدرت در پرتو تعامل نظام حقوق بشر و حقوق کیفری انتشارات نشر دادگستر چاپ دوم.

۳۸) رایجیان اصلی، مهرداد. بزه دیده در فرایند کیفری، چاپ اول، تهران: انتشارات خط سوم، ۱۳۸۱.

۳۹) رایجیان اصلی، مهرداد، سه گفتار تطبیقی در بزه دیده شناسی: داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۶، بهار ۱۳۸۳.

۴۰) رضاییان، دکتر علی، «اصول مدیریت»، چاپ هفتم، انتشارات سمت، ۱۳۸۹.

۴۱) رضوی محمد، نقش نیروی انتظامی به‌عنوان ضابطین عام دادگستری در امور کیفری چاپ اول انتشارات دانشگاه علوم انتظامی تهران سال ۱۳۸۰.

۴۲) زراعت، عباس، گذشت در جرائم قابل گذشت، مجله حقوقی دادگستری دوره جدید شماره ۵۵ سال ۱۳۸۵.

۴۳) زراعت عباس، گذشت در جرائم قابل گذشت مجله حقوقی دادگستری تابستان ۱۳۸۵.

- (۴۴) زراعت عباس، گذشت در جرائم قابل گذشت، مجله حقوقی دادگستری شماره ۵۵۰ سال هفتادم دوره جدید تابستان ۱۳۸۵
- (۴۵) زکوی مهدی، بزه دیدگان خاص در پرتو بزه دیده شناسی حمایتی انتشار مجد چاپ اول، ۱۳۸۸
- (۴۶) رضوی، محمد، نقش نیروی انتظامی به عنوان ضابط عام دادگستری، در امور کیفری چاپ اول انتشارات دانشگاه علوم انتظامی تهران ۱۳۸۰
- (۴۷) زهر. هورد، عدالت ترمیمی، کتاب کوچک، ترجمه حسین غلامی، انتشارات مجد، سال ۱۳۸۳
- (۴۸) شیری، عباس، رفتار کرامت مدار با بزه دیده، در تازه‌های علوم جنایی (مجموعه مقاله‌ها) زیر نظر دکتر نجفی ابرندآبادی، چاپ نخست، نشر میزان، بهار ۱۳۸۸
- (۴۹) معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، (یک جلدی) انتشارات کتاب آراد.
- (۵۰) نیز، ژرار وفیلیزولا، ژینا، بزه دیده شناسی، ترجمه روح الدین کردعلیوند و احمد محمدی چاپ اول تهران انتشارات مجد ۱۳۷۹
- (۵۱) معتمد، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، ج یک، انتشارات دانشگاه تهران، چ اول، ۱۳۵۱.
- (۵۲) کی نیا، مهدی، مبانی جرم‌شناسی، ج ۲، انتشارات دانشگاه تهران، چ اول ۱۳۷۰.
- (۵۳) نجفی ابرندآبادی، علی حسین «از عدالت کیفری کلاسیک تا عدالت ترمیمی، فصلنامه دانشگاه رضوی، شماره ۱۰-۹، ۱۳۸۲
- (۵۴) گاستون، استفانی، لواسوار، ژرژ، بولک، برنار، آیین دادرسی کیفری، جلد ۲ ترجمه حسن دادبان، چاپ اول، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی.
- (۵۵) نوربهار، رضا، زمینه حقوق جزای عمومی، نشر دادآفرین، چاپ هشتم، سال ۱۳۸۲
- (۵۶) صانعی، پرویز، حقوق جزای عمومی، انتشارات طرح نو، چاپ اول، سال ۱۳۸۲.
- (۵۷) مؤذن زادگان، محمدعلی، تعالی حقوق، ماهنامه آموزشی خبری دادگستری استان خوزستان، شماره ۱۱ سال دوم مرداد ۱۳۸۹.
- (۵۸) نجفی ابرندآبادی، علی حسین و هاشم بیگی، حمید. دانشنامه جرم‌شناسی، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۷.
- (۵۹) گودرزی، محمدرضا «بزه دیده شناسی: پیدایش، تحول و دیدگاه‌های نوین» مجله امنیت، ش ۱۸ و ۱۷. س ۱۳۷۹

- ۶۰) طباطبایی مومنی. حقوق اداری انتشارات سمت چاپ ششم سال ۱۳۷۹
- ۶۱) طباطبایی مومنی، حقوق اداری، انتشارات سمت، چاپ ششم، سال ۱۳۷۹
- ۶۲) عبادی (شیرین). حقوق کودک، انتشارات کانون، چاپ چهارم، سال ۱۳۷۵
- ۶۳) علی پروینی، مقاله جرائم علیه عدالت قضایی در مرحله تحقیقاتی مقدماتی، پیام آموزش نشریه تخصصی آموزشی و حقوقی، معاونت آموزش قوه قضاییه، سال هفتم، آذر و دی ۱۳۸۸
- ۶۴) فقیه نخجیری، حسن، دعوی خصوصی در دادگاه جزایی، انتشارات میزان، سال ۱۳۸۲
- ۶۵) فرخی، حمیدرضا، شاکیان حرفه‌ای، انتشارات مجد چاپ دوم ۱۳۸۹
- ۶۶) قاسم پور، ابوالقاسم، ضابطین قوه قضاییه و وظایف قانونی آن‌ها در ق. آ. د. ک و قوانین متفرقه، چاپ اول انتشارات افق امید، تهران ۱۳۸۱
- ۶۷) کودکان، طرح تحقیقاتی معاونت قضایی و تحقیقات معاونت آموزش قوه قضاییه، سال ۱۳۸۱.
- ۶۸) کاتوزیان، ناصر، مقدمه علم حقوق، انتشارات شرکت سهامی انتشارات همراه چاپ سی‌ام ۱۳۸۱.
- ۶۹) کوشا جعفر، جرائم علیه عدالت قضایی.
- ۷۰) گس (ریموند)، جرم‌شناسی کاربردی ترجمه کی نیا (مهدی) انتشارات مترجم سال ۱۳۷۰.
- ۷۱) لازرژ (کریستین) سیاست جنایی ترجمه نجفی ابرندآبادی (علی حسین) انتشارات یلدا، چاپ اول سال ۱۳۷۵.
- ۷۲) مهرداد رایجیان اصلی، بزه دیدگان، حقوق و حمایت‌های بایسته، مجله پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۱۹.
- ۷۳) میری، سید رضا، تعقیب کیفری و بررسی تطبیقی در نظام عدالت کیفری ایران و انگلستان، چاپ اول انتشارات مجد سال ۱۳۹۰.
- ۷۴) معین، محمد، فرهنگ فارسی ج سه انتشارات امیرکبیر ۱۳۷۱.
- ۷۵) مسئولیت ضابطان در حقوق شهروندی، تهیه و تدوین معاونت آموزش قوه قضاییه، نشر قضا، چاپ اول، سال ۱۳۸۸.
- ۷۶) وکیل، امیر ساعد و عسکری، پوریا، قانون اساسی در نظم حقوق کنونی، چاپ اول،

- انتشارات امجد، تهران، ۱۳۸۳.
۷۷. معین، دکتر محمد، فرهنگ فارسی، جلد دوم چاپ دوازدهم، انتشارات امیرکبیر تهران ۱۳۷۷.
- ۷۸ (معین (محمد)، فرهنگ فارسی، انتشارات امیرکبیر، سال ۱۳۹۲.
- ۷۹ (مهدی پور، کاظم، آنچه لازم است ضابطان دادگستری بدانند، انتشارات مجد، چاپ سوم، اسفند ۱۳۸۹
- ۸۰ (مهر پور (حسین)، جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی تهران، انتشارات اطلاعات چاپ اول، ۱۳۷۹ مقاله مجازات زن به وسیله شوهر.
- ۸۱ (منصور (محمود)، روانشناس ژنتیک (تحول روانی از کودکی تا پیری) انتشارات رز چاپ سوم سال ۱۳۹۲.
- ۸۲ (مظلومان، رضا، جرم‌شناسی (کلیات) موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، تهران ۱۳۵۳.
- ۸۳ (متین دفتری، دکتر احمد، آیین دادرسی مدنی و بازرگانی، جلد دوم، چاپ دوم، ۱۳۶۲.
- ۸۴ (نجفی، توانا، جرم‌شناسی، تهران نشر آموزش و سنجش ۱۳۸۶.
- ۸۵ (نوروزی، کامبیز (امنیت قضایی و سازمان قضا در جمهوری اسلامی ایران)، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال سوم، شماره چهارم ۱۳۷۹.
- ۸۶ (هاشمی شاهرودی، محمود، زمینه‌های ساختاری فساد اقتصادی ایران و راهکارهای مقابل، چاپ ترمه زمستان ۱۳۸۹.

مقالات

- ۸۷ (جعفری، عباس، تعالی حقوقی دادگستری استان خوزستان) سال سوم فروردین ۱۳۸۷ ش ۹.
- ۸۸ (جعفری، عباس، «کارکنان اداری» مجله تعالی حقوقی، دادگستری استان خوزستان، سال دوم، دی و بهمن ۱۳۸۹.
- ۸۹ (عباچی، مریم، بررسی خلأهای قانونی در زمینه پیشگیری از بزه دیدگی و بزهکاری معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضاییه، جزوه آشنایی با وظایف مدیران دفاتر دادگاهها (جزوه درسی)، شماره ۳

۹۰) علی نقی، امیرحسین، امنیت قضائی (فصلنامه مطالعات راهبردی سال سوم شماره چهارده ۱۳۷۹).

۹۱) مؤذن زادگان، حقوق بزه دیدگان و نقش لایحه در تأمین آن در گفتگو با مجله تعالی حقوق دادگستری استان خوزستان، سال دوم، شماره ۹ خرداد ۱۳۸۹ پایان نامه ها ۹۲) سردار اسعد بختیاری، علی قلی خان، تاریخ بختیاری، انتشارات یساولی، چاپ دوم، تهران ۱۳۹۳

۹۳) عطاشنه، منصور، ((فصل در بین عشایر عرب خوزستان)) پایان نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی ۱۳۹۹.

منابع عربی

۹۴) قرآن مجید. ۹۵) الحر العاملی (محمد بن الحسن)، وسائل الشیعه، بیروت دار احیاء التراث العربی الصبغه الرابعه
 ۱۳۹۱ (ه. ق. ۹۶) عوده، عبدالقادر، التشریح الجنائی الاسلامی مقارنه بالقانون الوضعی، ج اول، دار التراث، قاهره، بی تا.

منابع غیرفارسی

- 97) prosecution of offences act 1985, S23
 98) bailey, s. h & gunn, m.j, the modern English legal system, op.cit,p11.
 99) faragiha Chazvini Mohamad POLICE PROTECTION TO VICTIMS OF CRLME DEEP & DEEP PUBLICATIONS.2002 P60.
 100) ETCHER GEORGE BASIC CONCEPTS OF CRIMINAI LAW OXFORD UNIVERSITY PRESS 1988 P207.
 101) ASHWORTH ANDREW & REDMAVNE MIKE THE CRIMINAL PROCESS OP CIT.P 199.
 102)SLAPPER GRAV AND KELLY DAYID THE E NGLI SH L EGAL SYSTEM OP.CIT.P77
 103) www.tbayan.org
 104) Charter of Victim Rights Resources Kit, 1998, p14